

صورت‌های مالی بانک‌ها باید معتبر باشد

نقد عملکرد بانک‌ها در محاسبه سود قراردادهای مشارکتی براساس نرخ سود موردانتظار

مقرر شده است که میانگین سه‌ساله نرخ سود موردانتظار از تسهیلات اعطایی بانک‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی که توسط شورای پول و اعتبار برای سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ تعیین شده است، مبنای محاسبه سود معاملات عقود اسلامی در سال ۱۳۸۳ قرار گیرد و بر مبنای همین میانگین، سود متعلقه به بانک‌ها محاسبه شود! در صورتی که اصولاً معاملات مشارکتی بانک‌ها مبتنی بر قرارداد است و تحقق سود واقعی و تعیین سود واقعی اینگونه قراردادها هم به طور منطقی و طبیعی مستلزم پایان قرارداد است و قبل از پایان قرارداد و براساس ارقام فرضی نمی‌توان سود واقعی قراردادها را محاسبه کرد و همین سود فرضی را در صورت‌های مالی اعمال نمود!

از هنگامی که قانون عملیات بانکی بدون ربا به اجرا گذاشته شد، کلیه تسهیلاتی که بانک‌ها به مشتریان اعطا کرده‌اند و اعطا می‌کنند، باید مبتنی بر قراردادهایی باشد که در قالب انواع عقود مجاز تنظیم شده‌اند، یعنی قرض‌الحسنه، مشارکت مدنی و حقوقی، سرمایه‌گذاری مستقیم، مضاربه، معاملات سلف، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله، مزارعه و مساقات. اما این عقود و قراردادهای مبتنی بر آنها، از لحاظ نوع رابطه بانک با مشتری، به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

(۱) عقود و قراردادهای مشارکتی با سهم حدود ۶۵ درصد از کل عملیات بانکداری بدون ربا،

(۲) عقود و قراردادهای مشارکتی با سهم حدود ۳۵ درصد، که عمدتاً عبارتند از مشارکت مدنی، مضاربه، معاملات سلف و برخی از جعاله‌ها.

بحث اصلی ما هم درباره نحوه محاسبه سود تسهیلاتی است که در قالب قراردادهای مشارکتی اعطاشده، و چگونگی تسهیم این سود بین بانک با مشتریان، یعنی از یک طرف گیرندگان تسهیلات و از طرف دیگر، خیل انبوه سپرده‌گذارانی که همین سپرده‌هایشان در بانک‌ها در قالب تسهیلات اعطا شده است.

بدیهی است که بانک‌ها در صورتی می‌توانند مشتریان خود را در سود یا زیان اینگونه قراردادهای مشارکتی سهیم کنند که مقدمتاً بتوانند میزان سود یا زیان واقعی قراردادها را به نحو صحیح محاسبه کنند. و این نکته، یعنی روش محاسبه سود قراردادهای مشارکتی از جمله مسایلی است که تاکنون به سامان مقبول و موثقی نرسیده و سال‌هاست که باعث بروز تردیدها و مشکلاتی شده است، تا این که سرانجام وزارت امور اقتصادی و دارایی در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۸ متنی را تهیه کرد تحت‌عنوان "پیش‌نویس دستورالعمل محاسبه سود به روش تعهدی جهت انعکاس در صورت‌های مالی ۱۳۸۳". این متن اگرچه تحت‌عنوان "پیش‌نویس" تهیه شده بود، اما در همان تاریخ "جهت اجرایی شدن" به بانک‌ها ابلاغ شد و بانک‌ها هم صورت‌های مالی خود را براساس همین ابلاغیه تنظیم کردند و به تصویب رساندند. اما بدعت شگفت‌انگیزی در این ابلاغیه، اتخاذ شیوه عجیبی بود که جا داشت تا مورد بررسی قرار گیرد. به عبارت دیگر، مطابق یکی از بندهای این دستورالعمل،

بانک مرکزی معتقد است که تعیین نرخ سود باید با نظر به عملکرد بخش واقعی و با توجه به نوع عقد انجام شود و مبنای قرارداد میانگین موزون شده نرخ سود موردانتظار که از سوی شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود، نمی‌تواند مبنای عملکرد واقعی بانک‌ها باشد.

در نتیجه، صدور این دستورالعمل بار دیگر موضوع وجود ابهام در نحوه محاسبه سود بانک‌ها را مطرح کرد و پرسش‌هایی را از این دست به دنبال آورد:

(۱) آیا می‌توان براساس دستورالعمل وزارت امور اقتصادی و دارایی، برای محاسبه سود واقعی معاملات مشارکتی، تنها به میانگین ارقام اعلام‌شده توسط شورای پول و اعتبار اکتفا کرد؟

(۲) با توجه به این که ارقام تعیین شده از سوی شورای پول و اعتبار که معمولاً در اوایل هر سال و ضمن تدوین سیاست‌های پولی ابلاغ می‌شود، تحت‌عنوان "حداقل سود موردانتظار از تسهیلات اعطایی بانک‌ها" می‌باشد و تنها حداقل‌های موردانتظار - و نه درصدهای واقعی - را تعیین می‌کند، آیا می‌توان میانگین آنها را به عنوان عملکرد واقعی قراردادهای اعطای تسهیلات بشمار آورد؟

(۳) آیا مکلف کردن بانک‌ها - و به‌طور غیرمستقیم مکلف کردن گیرندگان

تسهیلات و سپرده‌گذاران - به احتساب سود معاملات عقود اسلامی به ترتیب فوق، با روح عقود مشارکتی و مقررات منع ربا در عملیات بانکی منافات دارد یا خیر؟ وجود این پرسش‌ها و تردیدهای ناشی از آن‌ها موجب شد که چگونگی این موضوع را از مقامات بانک‌های مختلف و همچنین از وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی و دیگر دست‌اندرکاران جویا شویم و صرفنظر از برخی از مدیران بانک‌ها و دیگر مقامات که در این نظرخواهی شرکت نکردند، دیگر مقامات مسوول یا صاحب‌بنظران غیرمسوول به پرسش‌های مطرح‌شده پاسخ دادند و پاسخ‌های آنها را هم در شماره‌های ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ همین مجله چاپ کردیم، اقدامی که تشکر و سپاسگزاری مهندس طهماسب مظاهری، معاون کل وقت وزارت امور اقتصادی و دارایی را در پی داشت.

تحلیل محتوای پاسخ‌های دریافت‌شده نیز حاکی از این اجماع نسبی است که تردید و تشکیک در این دستورالعمل بجا بوده و جا دارد که روش محاسبه سود بانک‌ها مورد بازنگری قرار گیرد و ضمن دوری‌گزیدن از دنیای پندار، از شیوه‌های علمی و واقع‌بینانه استفاده شود. خلاصه پاسخ‌های مزبور بدین شرح است:

(۱) بانک مرکزی معتقد است که تعیین نرخ سود باید با نظر به عملکرد بخش واقعی و با توجه به نوع عقد انجام شود و مبنای قرارداد، میانگین موزون شده سه‌ساله نرخ سود تسهیلات اعطایی بانک‌ها که در دستورالعمل وزارت امور اقتصادی و دارایی مبنای محاسبه سود معاملات عقود اسلامی قرار گرفته است، تنها می‌تواند در عقود غیرمشارکتی مورد استفاده قرار گیرد و این شیوه محاسبه نمی‌تواند مبنای عملکرد واقعی بانک‌ها باشد.

(۲) اسدالله امیراصلانی، یکی از مدیران پیشینه‌دار و صاحب‌نظر در امور بانکی هم معتقد است که "حداقل موردانتظار" عملکرد واقعی بانک‌ها نیست و نمی‌توانیم میانگین این حداقل را بگیریم و براساس این میانگین، صورت‌وضعیت مالی تنظیم کنیم.

آیا می‌توان براساس دستورالعمل وزارت امور اقتصادی و دارایی، برای محاسبه سود واقعی تسهیلات اعطایی بانک‌ها در قالب عقود مشارکتی، تنها به میانگین ارقام اعلام‌شده از سوی شورای پول و اعتبار اکتفا کرد؟

(۳) دادستان کل کشور، یعنی آقای دری نجف‌آبادی هم ضمن تأکید بر ضرورت پرهیز از صورت‌سازی و نشان‌دادن ارقام غیرواقعی، یادآور شده است که این قبیل محاسبه‌ها، نشان‌دهنده عملکرد واقعی نیست و شبهه شرعی نیز دارد.

(۴) یکی دیگر از مراجعی که در نظرخواهی شرکت کرد، سازمان حسابرسی بود که خود مرجع تخصصی و رسمی تدوین اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی در سطح کشور می‌باشد و در تهیه متن دستورالعمل موردبحث هم مداخله داشته است. این مرجع نیز در پاسخ تفصیلی خود، ضمن تشریح مشکلات و محدودیت‌های زمانی و... سرانجام یادآور شده است که دستورالعمل مورد اشاره تنها به منظور امکان برآورد در سال ۱۳۸۳ مورد استفاده بانک‌ها قرار گرفته و از سال ۱۳۸۴ به بعد، باید درآمد هریک از قراردادهای براساس شرایط قرارداد تعیین شود.

بدون تردید، تجزیه و تحلیل انواع نظریات واصل شده، حداقل به این جمع‌بندی می‌انجامد که دستورالعمل مورخ ۱۳۸۴/۴/۸ وزارت امور اقتصادی و دارایی و ابداع

شیوه "سودسازی" برای بانک‌ها، غیرقابل توجیه و غیرقابل دفاع است، و علاوه بر آن، یک راهکار اضطراری موقت بوده، و باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد. ما نیز به دنبال همین نقطه روشن امید حرکت کردیم و در سال جاری باز هم کوشیدیم تا به چگونگی تجدیدنظر در شیوه محاسبه سود بانک‌ها در عقود مشارکتی پی ببریم و دریابیم که آیا گوش شنوایی در این زمینه‌ها وجود دارد یا خیر؟ حاصل تمامی تلاش‌هایمان، به‌ویژه در سطح مدیران عامل و اعضای هیات‌مدیره بانک‌ها بی‌نتیجه ماند و پس از ۱۸ ماه تلاش تنها در دو مورد بازتاب‌هایی را دریافت کردیم: یکی از معاون امور بانک‌ها، بیمه‌ها و شرکت‌های دولتی وزارت امور اقتصادی و دارایی که صادرکننده همان دستورالعمل کذایی است؛ و دیگری هم از یک کارشناس حسابرسی و صاحب‌نظر در امور بانکی که به طور غیرمستقیم در جریان شکل‌گیری اینگونه سیاست‌ها و تدابیر نقش دارد.

اینک در این شماره توجه شما را به پاسخ اول جلب می‌کنیم و پاسخ دوم را هم برای شماره بعد می‌گذاریم.

بانک و اقتصاد

توجیهات معاون وزارت امور اقتصادی و دارایی

سیدحمید پورمحمدی، معاون وزارت امور اقتصادی و دارایی در امور بانک، بیمه و شرکت‌های دولتی در مقام پاسخ به سوالات مطرح‌شده درباره کم‌کیفیت دستورالعمل صادره راجع به روش محاسبه سود بانک‌ها در عقود مشارکتی، پس از ذکر مقدمه‌ای حاکی از طبیعی بودن وجود اختلاف در دیدگاه‌های کارشناسی و لزوم تمکین به داوری دستگاه‌ها



② حداقل موردانتظار شورای پول و اعتبار، نشان‌دهنده عملکرد واقعی عقود نیست.

و اشخاص صاحب‌صلاحیت قانونی، چنین آورده است: از زمان ملی‌شدن بانک‌ها تاکنون (زمان تغییر روش نقدی به تعهدی) حساب‌های تمامی بانک‌های دولتی از سوی بازرسی قانونی و به‌خصوص در بخش گزارش حسابرسی مشروط اعلام می‌شد و این شروط بعضاً به ده شرط نیز بالغ می‌گردید. به عبارتی، حسابرس با مقید و مشروط‌نمودن حساب‌ها، به تمامی تصمیم‌گیرندگان و ذینفعان اعلام می‌کرد که اتکای شما به صحت و درستی حساب‌های بانک، مشروط به ده شرط و مقید به ده قید می‌باشد و به تعبیری، می‌فهماند که این حساب‌ها از شفافیت کافی و قابلیت اتکای لازم برخوردار نیست. در سایر بانک‌های دنیا حتی اگر یک بند شرط هم بود - که عمدتاً حتی یک بند هم نبود - به عنوان نشانه‌ای بسیار نگران‌کننده تلقی می‌شد که مسوولان امر بایستی به‌فوریت این نگرانی را برطرف سازند، اما در کشور ما با گذشت بیش از دو دهه، هنوز صورت‌های مالی بانک‌هایمان مشروط بود.

از زمان ملی‌شدن بانک‌ها تا زمان تغییر شیوه محاسبه سود از روش نقدی به روش تعهدی، حساب‌های تمامی بانک‌های دولتی از سوی بازرسی قانونی و به‌خصوص در بخش گزارش حسابرسی مشروط اعلام می‌شد.

شفاف گردید. به این امر اعتراف و اذعان دارم که برداشتن این گام بزرگ و تحقق این تحول، برای همه بانک‌ها سختی‌های بسیار زیادی داشته است، لیکن با بردباری همگان، تمامی آثار این تحول در سال گذشته هضم گردید و هم‌اکنون شاهد آثار مبارک این تحول و تغییر روش می‌باشیم.

معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی در ادامه می‌نویسد: برای جلوگیری از اطاله کلام... به اجمال و اختصار دلایل انجام این اقدام را برمی‌شمارم:

۱. از آنجا که استانداردهای حسابداری حاصل تجربیات جهانی صاحب‌نظران می‌باشد که به قواعد لازم‌الرعایه و الزام‌آور تبدیل شده‌اند، رعایت این استانداردها برای بنگاه‌های اقتصادی کشور، ما از جمله بانک‌ها نیز الزامی بود. پس رعایت داوری صاحب‌نظران دنیا در ترجیح‌دادن یک روش به روش دیگر بایستی مورد احترام ما نیز باشد.

۲. از آنجا که سازمان حسابرسی به عنوان

مرجع تدوین استانداردها و همچنین بازرسی قانونی و حسابرس بانک‌های دولتی می‌باشد و براساس قانون، امر داوری در صحت و درستی حساب‌ها به عهده این سازمان گذاشته شده است و این سازمان مطلوب‌شدن حساب‌های بانک‌ها را منوط به تغییر این روش می‌دانست، پس این داوری را نیز بایستی محترم شمرد.



۳. اعتبار صورت‌های مالی بانک‌ها، منوط به واقعی بودن ارقام است.

۴. از آنجا که این تغییر روش و تدوین دستورالعمل آن، با حضور موثر صاحب‌نظران بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران انجام پذیرفت و به تصویب شورای پول و اعتبار رسید و شورای پول و اعتبار نیز عالی‌ترین مرجع، بلکه تنها مرجع تدوین دستورالعمل‌های نظام بانکی است، پس بایستی داوری شورای پول و اعتبار را در برگزیدن این روش به روش نقدی محترم شمرد. به‌خوبی مستحضرید که ترکیب شورای پول و اعتبار شامل نمایندگان دولت، قوه قضاییه، بخش خصوصی، صاحب‌نظران و نمایندگان ناظر قوه مقننه است که بایستی ترجیح آنان را منطبق با مصالح نظام بانکی و کشور دانست.

۵. نهایتاً برای رفع دغدغه و شایبه ربوی بودن این دستورالعمل، پس از نهایی شدن و تدوین آن، مراتب توسط مدیرعامل محترم وقت بانک ملی با حضرت آیت‌ا... رضوانی مطرح گردید و پس از تایید ایشان، دغدغه باقیمانده تعدادی از اعضای کارگروه تدوین این دستورالعمل نیز رفع شد و زمینه تصویب و اجرای آن فراهم آمد.

وی در پایان، نظریات اعلام‌شده از سوی سازمان حسابرسی مندرج در نشریه شماره ۶۸ (فروردین ماه ۱۳۸۵) مجله بانک و اقتصاد و همچنین گزارش پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران چاپ‌شده در شماره

طبیعی است که نباید مشروط و مقید بودن صورت‌های مالی را به دلیل اسلامی بودن نظام بانکی کشور دانست، چراکه سیستم حقوقی اسلامی، به‌خصوص فقه امامیه، آنچنان قابلیت و پویایی دارد که بتواند جوابگوی امور عقلانی معاملات روز باشد. پس بایستی عدم شفافیت صورت‌های مالی تا آن زمان را مهیا نبودن مقدمات و یا میسر نبودن رعایت اصول حسابداری دانست.

عدم شفافیت صورت‌های مالی بانک‌ها به این دلیل بود که حساب‌های بانک‌ها منطبق با استانداردهای حسابداری نگه‌داری نمی‌شد و حسابرس ناگزیر بود به جای نوشتن "صورت‌های مالی منطبق با استانداردهای حسابداری تهیه شده است" بنویسد "صورت‌های مالی بانک منطبق با ضوابط حسابداری مصوب شورای پول و اعتبار تهیه شده است" و معنای این نوشته این است که حداکثر شمول پذیرش حساب‌های بانک‌های ما، مجامع عمومی بانک‌ها خواهد بود و این صورت‌ها به دلیل عدم انطباق با استانداردهای حسابداری و عرف بین‌المللی، نه تنها قابلیت اتکا توسط مجامع مالی و پولی بین‌المللی و شرکا و طرف‌های قراردادهای خارجی را ندارد، پذیرش آن در بازارهای مالی کشور نیز مورد تردید جدی بود و این عدم قابلیت اتکا و عدم شفافیت باعث می‌شد که درجه ریسک کشور ایران بالا برود و بالارفتن درجه ریسک، باعث افزایش هزینه مبادلات و معاملات کشور می‌شد و زمینه محدود شدن مرادوات و مبادلات بانک‌ها را فراهم می‌آورد.

وی سپس می‌افزاید: اذعان جدی دارم که این گفته‌ها به معنای نادیده گرفتن تلاش‌های فراوان و زحمات ارزنده بزرگانی نیست که با تلاش موثر و مبارک خود در گذشته، نظام بانکداری اسلامی را به بلندی امروز رسانده‌اند، بلکه تلاش‌های کنونی صرفاً برای افزودن خشتی به دیوار سترگ برافراشته شده توسط پیشینیان می‌دانم.

عدم شفافیت صورت‌های مالی بانک‌ها به این دلیل بود که حساب‌های بانک‌ها منطبق با استانداردهای حسابداری نگه‌داری نمی‌شد.

امروزه به جای بندهای شرط فراوان گذشته - به جز یک بانک و آن هم فقط یک بند شرط - صورت‌های مالی تمامی بانک‌های دولتی که ریاست مجمع عمومی آنها به عهده وزارت امور اقتصادی و دارایی است، مطلوب می‌باشد که این امر نیز حاصل تلاش بی‌شایبه و ارزنده مدیران و کارشناسان دلسوز سازمان حسابرسی و نظام بانکی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌باشد.

آخرین بند و مهمترین بند شرط باقیمانده بر صورت‌های مالی بانک‌ها، لزوم تغییر روش نقدی به روش تعهدی و به عبارت بهتر، تبعیت کامل نظام بانکی از استانداردهای حسابداری مصوب کشور بوده است. پس از رفع این بند شرط نیز بایستی اقدامی اساسی صورت می‌گرفت، که با تشکیل کمیته‌ای متشکل از کارشناسان وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، صاحب‌نظران و مدیران نظام بانکی و مدیران و کارشناسان سازمان حسابرسی و تشکیل ده‌ها جلسه کارشناسی، این قدم خیر برداشته شد و با تصویب این دستورالعمل توسط شورای پول و اعتبار، صورت‌های مالی بانک‌های کشور مطلوب و

صورت‌های مالی فاقد انطباق با استانداردهای حسابداری و عرف بین‌المللی، نه تنها قابلیت اتکا توسط مجامع مالی و پولی بین‌المللی و شرکا و طرف‌های قراردادهای خارجی را ندارد، بلکه پذیرش آن در بازارهای مالی کشور نیز مورد تردید جدی است و درجه ریسک کشور را بالا می‌برد.

۶۷ (اسفند ماه ۱۳۸۴) را به عنوان نظریات حرفه‌ای و مرجع تخصصی و علمی صاحب‌نظر در این خصوص معرفی کرده که می‌تواند ماهیت امر را آشکار سازد.

توضیح برای جلوگیری از انحراف بحث

چون به نظر می‌رسد که برخی از سطوح این بحث - به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه - از مدار اصلی خارج شده است، لذا مجدداً یادآور می‌شود که صرف تغییر روش محاسبه سود بانک‌ها از روش نقدی به روش تعهدی مورد ایراد نیست، بلکه آنچه از ابتدا مورد تشکیک قرار گرفته، همانا بدعت سوال برانگیز در دستورالعمل مورخ ۱۳۸۴/۴/۸ وزارت امور اقتصادی و دارایی است که بانک‌ها را مکلف می‌کند تا میانگین سه‌ساله نرخ سود موردانتظار از تسهیلات اعطایی را که توسط شورای پول و اعتبار برای سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ تعیین شده است، به عنوان مبنای سود واقعی قراردادهای مشارکتی قلمداد کنند و براساس همین نرخ جعلی - و نه واقعی - صورت‌های مالی خود را تنظیم نمایند.

بنابراین، دلایل ارایه‌شده از سوی معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی برای توجیه روش محاسبه سود از نقدی به تعهدی، به طور خاص پاسخگوی شبهه ایجادشده نیست، مضافاً این که مصوبه شورای پول و اعتبار هم که به فاصله کمی

پس از بدعت وزارت امور اقتصادی و دارایی، یعنی در تاریخ ۸۴/۴/۲۷ در مورد شناسایی درآمد عقود اسلامی براساس روش تعهدی صادر و ابلاغ شده، حاکی از آن است که «درآمد عقود مشارکت مدنی، مضاربه، سلف و جعاله و وجه التزام مربوط به تسهیلات سررسید گذشته و معوق فوق، براساس قرارداد و برآورد متکی به ضوابط داخلی بانک در پایان هر دوره مالی قابل‌شناسایی برای انعکاس در حساب‌های بانک خواهد بود.» این عبارت کاملاً صریح و روشن که در مصوبه شورای پول و اعتبار آمده است، به دقت تاکید بر آن دارد که درآمد عقود مشارکتی باید براساس قرارداد باشد و نه براساس میانگین سه‌ساله نرخ سود موردانتظار که در دستورالعمل مورخ ۸۴/۴/۸ وزارت امور اقتصادی و دارایی تجویز شده است!

بهرحال، این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که صورت‌های مالی بانک‌ها باید معتبر باشد و چنانچه مسوولان این امر به‌طور واقعی نگران اعتبار نهادهای مالی و درجه ریسک کشور و منافع ملی هستند، باید حداقل مصوبات نهادهای قانونی همچون شورای پول و اعتبار را محترم بشمارند و اجازه ندهند که عملکردها بدین صورت فاحش در معرض تردید و تشکیک قرار گیرد.

ادامه این بحث را از دیدگاه یکی از کارشناسان و صاحب‌نظران در امور مالی و بانکی در شماره بعد خواهید خواند.

برگه اشتراک

تاریخ

نام و نام خانوادگی مشترک:

سن: تحصیلات: شغل:

شماره‌های درخواستی: از شماره تا شماره

نشانی پستی:

شماره تلفن تماس:

مشترک‌گرمی

* هزینه اشتراک مجله برای ششماه ۲۴۰۰۰ ریال و برای یک سال ۴۸۰۰۰ ریال است. لطفاً هزینه اشتراک را به حساب بانکی شماره

۲۷۸۹۰۳۰۰۱ نزد شعبه سامان بانک تجارت (کد ۳۲۴) واریز کنید و فتوکپی رسید بانکی را همراه با برگه اشتراک تکمیل‌شده به نشانی

زیر بفرستید:

تهران / خیابان حجاب / کوچه سوم / شماره ۱۱+۲ / صندوق پستی: تهران / ۱۴۱۵۵-۵۵۴۸